

## کارگران، دستمزدها و "گلیم لعنت خوردگان"!



مصطفی اسدپور

در طول هفته با بخشنامه وزیر کار خطاب به شورای عالی دستمزدها کشمکش سالانه تعیین دستمزد پایه کارگران آغاز گردید. مطابق بخشنامه وزیر داستان از یک بررسی میدانی در مورد دستمزد کارگران شروع خواهد شد تا بعداً نوبت به ستاد عالی بررسی دستمزد و بالاخره نوبت به شورای عالی تعیین دستمزد برسد. یعنی اول یک جمع مسئولان و متخصصین خود را به میان کارگران میرسانند و از زبان خود کارگران مستقیماً در مورد وضعیت دستمزد کارگران مطلع میشوند، مثلاً اینکه آیا دستمزد با هزینه زندگی مطابقت دارد یا نه، آیا کارگران تامین میشوند و یا خواستههای دیگر کارگران از چه قرار است. یک چند ماهی هم وزیر وزرا با کارگران در مورد وضعیت اقتصادی مملکت حشر و نشر خواهند داشت. دست آخر هم بعد از چند روز صرف چای قند پهلو، با امضاء نماینده قلابی کارگران قال قضیه کنده میشود.

فصل دستمزدها در ایران مطلقاً ربطی با امر تعیین دستمزد حداقل کارگران از طریق دخالت خود کارگران ندارد. یک نمایش مسخره از نمایندگان کارگری و نمایش مسخره تر در تنظیم سطح دستمزدها با توجه به نیازهای زندگی خانواده کارگری ضرب در نرخ تورم امسال هم بر روی صحنه خواهد رفت. خود دولت هم هیچ اصراری بر اصلاح این تصویر مسخره ندارد. آش آنقدر شور است که از یک کودک خانواده کارگری هم نمیتوان انتظار داشت برای این معرکه کوچکترین اعتباری قائل گردد. طول تاریخ مملو از شورش و انقلابات و خشم ناگهانی مردم علیه یاوه گویی سیاستمداران "حرامزاده" است. در مقایسه با همه این موارد ابلاغیه وزیر کار برای به آتش کشیدن هفتاد قیصریه کفایت میکند.

بررسی میدانی وضع دستمزدها؟! آقای وزیر کدام روزنامه را ورق میزند که در آن از فاصله عظیم دستمزد فعلی و نیازهای پایه ای یک خانواده کارگری، از تورم و از گرانی خبری نیست؟ پنجره اتاق کار جناب وزیر کار رو به کدام خیابان باز میشود که در آن نه از بیکار نه از تجمع کارگران بر علیه دستمزدهای ناچیز و نه از حملات گروههای ضد شورش خبری هست؟ ... صفحه ۲

# قرعه جلادان اینبار به نام محمود صالحی

اطلاعیه دفتر کردستان  
حزب حکمتیست - خط رسمی

روز یکشنبه ۲۲ شهریور، جان شاهرخ زمانی را گرفتند و صدها هزار انسان از هم طبقه ای هایش، از آزادیخواهان و ستمدیدگان جامعه ایران را سوگوار کردند. سه شنبه ۲۴ شهریور جنازه شاهرخ زمانی بر شانه های رفقا و عزیزانش در همراهی صدها نفر از کارگران و دوستداران او در گورستان "وادی رحمت تبریز" به خاک سپرده شد. تنها با گذشت سه روز از این واقعه جانکاه، جلادان شاهرخ زمانی اینبار از دادگاه سنندج شفاهای به محمود صالحی اعلام کرده اند که ۹ سال حکم زندان گرفته است. انگار بعد از کشتن

شاهرخ زمانی قرعه جلادان حاکم به نام محمود صالحی، به نام یکی دیگر از شریفترین انسانهای این کره خاکی، یکی دیگر از شخصیتهای سرشناس و خوشنام طبقه کارگر ایران درآمده است. هنوز اشک هزاران انسان ستمدیده، هزاران کارگر و زن و جوان شرافتمندی که از دور و نزدیک شاهرخ زمانی را میشناختند خشک نشده، که حکم زندان محمود صالحی ابلاغ میشود. انگار بازداشتهای دهها باره تاکنونی محمود صالحی، پرونده سازیهای جعلی همیشه آماده، تهدیدها و شکنجه های صدها باره او کافی نیست. انگار

## گزارشی از لندن پیرومون تجمع اعتراضی به قتل شاهرخ زمانی

تشکیلات خارج کشور حزب  
حکمتیست - خط رسمی  
(واحد لندن) صفحه ۴

دستگیری بدون دلیل و مدرک او در هشتم اردیبهشت امسال و زندانی کردن او به مدت ۳۲ روز در انفرادی و مانع آگاهانه از رسیدن داروهایش که منجر به از دست دادن کامل کلیه هایش شد، کافی نیست. امروز محمود صالحی بر اثر اعمالی که "عدالتخوانه" های حاکمین در دولتهای مختلف سیاه و سبز و بنفش آنها و از جمله در دولت جناب روحانی "معتدل" بر او اعمال کرده اند، هر هفته باید دوبار برای دیالیز به بیمارستان برود. ... صفحه ۳

## بریتانیا و موج برگشت!

ثریا شهبابی



موج برگشت در مقابل سیاستهای راست افراطی در جوامع غربی، موج برگشت در مقابل عواقب داخلی و خارجی سیاستهای میلیتاریستی عنان گسیخته دو دهه بورژوازی غرب بخصوص در خاورمیانه، به بریتانیا رسیده است. ساختار سیاسی بریتانیا، با پیروزی جرمی کوربین چپ و "سوسیالیست" به رهبری حزب کارگر، بر متن تحرک عظیم و وسیع مردم در دفاع از فراریان از باطلاق سوریه، دچار لرزه شده است. این دو رویداد در اولین قدم

بر سینه دولت دیوید کامرون و سیاست های ضد مردمی او در مقابل موج فرار از سوریه، دست رد محکمی زد و محافظه کاران را به عقب نشینی کشاند. بریتانیا قبول کرد که تحت فشار "سیاست های سخت گیرانه خود علیه پناهندگان را تعدیل کند!" این لرزه اما پیش از هرچیز، پایه های حزب کارگر و گرایش غالب سوپر راست و "بلر ایسم" بر آن، و بدنبال آن ارکان تمام احزاب پارلمانی و بازیهای سیاسی پارلمان و پارلمانتاریسم را به لرزه

انداخته است. گفته میشود پس از هشتاد سال، و پس از اولین تجربه به قدرت رسیدن "حزب کارگر"، رهبر این حزب، رسماً و در پارلمان "ساختار شکنی" میکند! کسی که "آنتی میلیتاریسم غرب"، "آنتی مونارشی بریتانیا"، ضد "ریاضت اقتصادی"، "آنتی ناتو"، "ضد تولید سلاح اتمی بریتانیا"، و طرفدار نقش اتحادیه های کارگری در صحنه سیاست بریتانیا است، خارج از فرهنگ و قواعد سنتی پارلمان بریتانیا، عمل میکند. او نه تنها محافظه کاران و سیاست های راست را، که بنیادهای حزب خود را نیز به چالش میکشد! ... صفحه ۴

## کارگران، دستمزدها...

وزارت کار در کدام "علی آباد" مستقر است که در دادگاه و زندان اوین آن خالی از رهبران اعتراضات کارگری یر سر دستمزدها است و بازجوها از فرط بیکاری خمیازه میکشند؟

اما جدا از این لودگی در دنیای واقعی با این بخشنامه یک پروسه پنج ماهه براه میافتد که رقم اعلام شده در صحنه آخر فقط یکی از اهداف و تاثیرات آن است.

فصل دستمزدها یک نمایش پوچ و یک خیمه شب بازی هست اما به همان اندازه اجرای این نمایش برای دولت ضروری و حیاتی است. در جوامع کاپیتالیستی تشریفات بدرجات مختلف فریب کارانه تعیین دستمزد کارگران ابداء کم نیست. اما پیشقدمی دولت ایران برای عمومی کردن این تشریفات چشمگیر است. این پروسه ای است که یک ماشین عظیم تبلیغی - سیاسی به جان کارگر آن جامعه می افتند تا زیر پای حق دستمزدها را خالی کنند.

اگر دستگیری فعالین کارگری و سرکوب یک ستون بی حقوقی کارگران در ایران باشد، که قطعاً هست، کل برنامه دولت در آنچه فصل تعیین دستمزدها در ایران نامیده میشود، ستون دیگر حمله به طبقه کارگر است.

جمهوری اسلامی اگر میتوانست، حتی به نیم ساعت از این "نمایش" تن نمی داد؛ همانطور که هیچ بورژوازی عاقلی در هیچ کجای دیگر دنیا چنین کاری را نمیکند. اگر کسی میخواهد به فشار

اعتراضی طبقه کارگر در آن جامعه پی ببرد، باید به "فصل تعیین دستمزدها" مراجعه نماید. تصور ابعاد عظیم بسیج دستگاه دولتی، رسانه ها، خدمتگزاران متخصص دانشگاهی و ژورنالیستی؛ تصور ابعاد بسیج مالی و وقت و انرژی دولت و مجلس و بسیج امنیتی این پروسه؛ ابداء دشوار نیست. هنوز باید جداگانه به عقبه دار این جبهه بشدت آگاهانه و سازمان یافته ضد کارگری یعنی بسیج خود طبقه بورژوا، رسانه ها و شخصیتها و نهادهای آنها جداگانه پرداخت.

خیلی فشرده، سال ۱۳۹۴، هم بورژوازی و هم حکومت آن در ایران چهارماه سگ دویی را به جان میخرد که نزد کارگران جامعه وقت بخرد؛ از طریق بازی با اعداد و ارقام و با "غلط کردم" در سیاستهای تا کنون؛ و با وعده و وعید در میان صف اعتراض شکاف بیاندازد. این کاری است که به تنهایی نه از طریق دستگاه سرکوب، نه از طریق دستگاه فریب ضدکارگری شوراها و انجمنهای اسلامی از پس آن برنیامده است.

امسال و در آستانه دوران پساتحریمی و چشم انداز تحولات اقتصادی مد نظر دولت، تشریفات فصل دستمزدها از اهمیت بیشتری برخوردار است. حکومتی که رو به سرمایه جهانی اطاعت و امنیت و تدبیر و تعامل را به رخ میکشد؛ رو به کارگر جامعه خفه کردن توقعات، سوختن و ساختن را نقش بر بیرق خود دارد. مرگ "ناگهانی" شاهرخ زمانی در زندان و حکم زندان محمود صالحی در تدارک

جمهوری اسلامی در استقبال از فصل دستمزدها در سال ۱۳۹۴ می گنجد. همانگونه حمله به دانشجویان آزادی خواه و برابری طلب در تدارک سیاسی برای مراسم انتخابات ریاست جمهوری ۸۸ می گنجد.

## کارگران پیشرو و آگاه!

این مراسم ها را تحریم نکنید! هر جا جلسه ای برای بررسی مزد سالانه است، شرکت کنید! رفقای خود و بچه های محل، صغیر و کبیر خانواده، بازنشسته ها، بیکاران، کارگران افغانستانی همه را با خود همراه کنید! در محل های کار وسیعترین جلسات را تشکیل دهید، از مقامات بخواهید در اجتماعات شما شرکت کنند. نباید اجازه داد حتی یک نفر از رفقای کارگر در تنهایی خود و یا پای شو های تلویزیونی در مورد مساله دستمزد چاره جویی کند و تصمیم بگیرد. کاری کنید کارگران با صدای خود، با کلمات خود و از دهان خود در مورد شرایط کار و زندگی ابراز وجود کنند. این اجتماعات، باید اجتماع صف طبقاتی ما باشد، مگر نه این است که حداقل دستمزد سطح برخورداری از بیمه ها و دریافتی همه بخشهای کارگری اعم از شاغل و بیکار، کارجو و بازنشسته، سالم و بیمار، زن و مرد را رقم میزند؟ این اجتماعات فرصتی برای افشا و رسوایی سیاستهای ضد کارگری، و فرصتی جهت تقویت زمینه های وحدت و آگاهی طبقاتی کارگری باید به حساب بیاید.

تعیین دستمزد سالانه بنا

## رفاه

## (بخشی از منشور رفاه، آزادی و امنیت مردم ایران)

<http://hekmatist.com/2015/HekmatistManshour.html>

- رفاه، فراغت، تفریح، آسایش و امنیت، حق حیات و مصونیت جسمی و روحی فرد از هر نوع تعرض ابتدایی ترین حق و از ضروریات زندگی متعارف در جامعه امروزی است. برای تامین رفاه در اولین قدم مطالبات فوری زیر را، که به سرعت قابل تامین است، باید به نیرو و قدرت متحد و متشکل خود تحمیل کرد.

- تعیین حداقل دستمزد، توسط نمایندگان کارگران - بالا رفتن اتوماتیک حداقل دستمزد به تناسب تورم - برقراری فوری حداقل ۳۰ ساعت کار در هفته (۵ روز شش ساعته)

- تعطیلی دو روز متوالی در هفته - پرداخت بیمه بیکاری معادل حداقل دستمزد به همه افراد فاقد شغل بالای ۱۶ سال

- ممنوعیت کار حرفه ای برای کودکان و نوجوانان زیر ۱۶ سال - پرداخت بیمه بازنشستگی دولتی، معادل حداقل دستمزد به همه افراد بالای ۵۵ سالی که فاقد حقوق بازنشستگی هستند

- حق برخورداری از کلیه امکانات جامعه امروزی برای مصون داشتن فرد از صدمات و بیماری ها، حق برخورداری از امکانات بهداشتی و درمانی در جامعه. ارائه خدمات رایگان پزشکی و آموزشی و فرهنگی

- تضمین استاندارد بالای زندگی کودکان و نوجوانان، تضمین رفاه و سعادت هر کودک، مستقل از وضعیت خانوادگی، با جامعه است.

- تعیین حقوق مقامات سیاسی و اداری کشور (نمایندگان مجلس، شهرداران، استانداران، فرمانداران، قضات دادگاهها و...) برابر با مزد متوسط کارگر.

- در جهان امروز رفاه بدون احترام به محیط زیست و حفاظت از آن، عملی نیست. از این رو حق برخورداری از یک محیط زیست امن و سالم، حق بی چون چرای همگان است.

به نیازهای یک خانواده پنج نفره، یک خواست پایه ای طبقاتی کارگری است، که دولت هنوز نتوانسته گریبان خود را از آن خلاص کند. این خواست که مهر قدرت کارگری تا سالها بعد از انقلاب را بر خود دارد، امروز کماکان میتواند و باید، با همان قوت زمینه اصلی کشمکش میان طبقه کارگر ایران از یک طرف و بورژوازی و حکومتش از طرف دیگر باشد. فقط بعنوان نمونه، آن روزی که سایپا، فولاد مبارکه، نورد اهواز و معدنچیان چغارت راسا در کشمکش دستمزدها پا را از "گلیم لعنت خوردگان" درازتر کنند، دریچه ای از قدرت واقعی طبقه کارگر، اساسا جلوی روی خود این طبقه، باز خواهد شد.

زنده باد سوسیالیسم!

مرکز بر جمهوری اسلامی!

## قرعه جلاخان...

لابد همه اینها کافی نیست، این انسان متنفذ از بی عدالتی، متنفذ از اجحافات و بی حقوقی، هنوز زبان و قلمش در دفاع از کارگر و علیه نظم سرمایه میچرخد و همین هم نباید تحمل شود؛ انگار محمود صالحی هم باید به سرنوشت شاهرخ زمانی دچار شود.

در اینکه دولت جمهوری اسلامی در صدد است محمود صالحی و صدها انسان شریف و آزادیخواه، صدها کارگر معترض و مورد اعتماد هم طبقه ای هایش را به لحاظ فیزیکی و جسمی نابود کند، تردیدی نیست.

اینها با یک نسل کشی کامل از طبقه کارگر، از کمونیستها، از زنان حق طلب و جوانان متمدن و آزادیخواه آن جامعه سر کار آمده اند. اینها صدها گورستان دسته جمعی و لعنت آبادها را از اجساد شکنجه شده و خون آلود دهها هزار انسان معترض پر کرده اند. اینها در توحش، قساوت و بی رحمی زبانه زدند و عام اند. از اینها توقع دیگری نباید داشت. اینها به سرکوب و استبداد زنده اند.

اما روی سخن ما به طبقه کارگر ایران، به میلیونها انسان آزادیخواه آن جامعه، به مردم شهرهای کردستان، به کارگران مراکز مختلف صنعتی و خدماتی، به خبازان و کارگران شاغل و بیکار آن جامعه است. آیا هر روز باید در گوشه زندان ناکجا آبادی یکی از رفقای ما، یکی از رهبران و فعالین و نمایندگان ما، از میان کارگران، از زنان برابری طلب، از معلمان و پرستاران، از

دانشجویان و ... بدست دژخیمان حاکم در خلوت زندان به مرگ محکوم شود و ما در سوگ مرگشان بر مزار آنها جمع شویم و گریه کنیم؟! آیا این سیکل جنایت و کشتن عزیزان ما توسط جلاخان حاکم و گریه و زاری هر روزه ما بدون بستن سدی و ایجاد کردن خطری برای دشمن باید ادامه یابد؟ آیا جز گریه، جز اعلام نفرت در جمع رفقایمان، جز دست غم به زانو گرفتن و در خلوت خود نفرین فرستادن به حاکمین و قاتلین و شکنجه گران آنها، کاری از ما ساخته نیست؟ آیا اینها وجدان ما را راحت و خواب و آرامش روحی و روانی را به کلبه های ما خواهند آورد؟ آیا این زندگی و سکوت در مقابل جنایات هر روزه آنها و قتل بهترین انسانهای آن جامعه دون شان ما نیست؟ آیا نباید کار دیگری کرد، راه دیگری پیدا کرد و نفرت صف طبقه خود، میلیونها زن و مرد و جوان شرافتمند را علیه این توحش بسیج کرد و آنرا لگام زد؟

## مردم مبارز شهرهای کردستان! کارگران، آزادیخواهان!

این حقارت را نباید پذیرفت! نباید گذاشت محمود صالحی حتی یک ساعت هم زندانی شود. شهر، محله، کارخانه، دانشگاه و مدرسه را باید علیه آنها بسیج کرد. اگر علیه دستگیری محمود صالحی در اردیبهشت ماه و قبل از، از دست دادن کلیه هایش اعتراضی جدی و همه جانبه میگردیم، اگر مردم شهر سقز، سنندج، مریوان و...، اگر کارگران هزاران مرکز کارگری

اعتراضی ولو کوچک سازمان میدادند، حتی یک ساعت در وقت کاری همزمان دست از کار میکشیدند، امروز کسی جسارت صادر کردن احکام زندان برای محمود را نداشت. سکوت دیروز ما امروز دارد بر سر خود ما خراب میشود و امروز دیگر جایز نیست.

جرم محمود صالحی، جرم شاهرخ زمانی و جرم دهها کارگر سوسیالیست، دهها انسان عدالتخواه در زندان، دفاع از ابتدایی ترین حقوق طبقه کارگر، دفاع از زنداگی انسانی و آسایش و امنیت برای کل محرومان جامعه است. حکم ۹ سال زندان برای محمود صالحی محکوم کردن کل این صف، تف کردن به حق و حقوق انسانی همه ما و بی حرمتی به شخصیت و کرامت انسانی کل این صف است. این حقارت را نباید پذیرفت! علیه این حکم باید با نیروی وسیع و متحد خود دست به اقدام زد. باید صادر کنندگان این حکم را پشیمان کرد و مانع تکرار کشتن هر روزه یکی از رهبران و فعالین و نمایندگان این صف شد. قبلا افشین اسانلو را در زندان رجایی شهر کشتند و دیروز شاهرخ زمانی و فردا محمود صالحی و کسانی مانند بهنام ابراهیم زاده، رسول بداعی، محمد جراحی، علی نجاتی، رضا شهبانی و دهها کارگر، معلم، پرستار، دانشجو و زن و جوان حق طلبی که منشاء اتحادی در میان مردم هستند، به این سرنوشت دچارشان خواهند کرد.

دفتر کردستان حزب حکمتیست ضمن اعلام نفرت عمیق خود از این حکم، مردم

## آزادی

(بخشی از منشور رفاه، آزادی و امنیت مردم ایران)

<http://hekmatist.com/2015/Hekmatist>

Manshour.html

- آزادی کامل و بی قید و شرط انتقاد به کلیه جوانب سیاسی، فرهنگی و اخلاقی و ایدئولوژیکی جامعه.

- آزادی بی قید و شرط عقیده، بیان، اجتماعات، مطبوعات، تظاهرات، اعتصاب، تحزب و تشکل.

- آزادی مذهب و بی مذهبی و جدایی کامل مذهب از دولت و آموزش و پرورش. هرنوع اجبار فیزیکی و روحی برای پذیرش مذهب ممنوع است. کودکان و نوجوانان زیر ۱۶ سال از هر نوع دست اندازی مادی و معنوی مذاهب و نهادهای مذهبی مصون باید باشند.

- آزادی بی قید و شرط انتخاب لباس. لغو هر نوع شرط و شروط رسمی و یا ضمنی بر مقدار و نوع پوشش مردم، از زن و مرد، در اماکن عمومی. ممنوعیت هر نوع تبعیض و یا اعمال محدودیت بر مبنای پوشش و لباس مردم.

- برابری کامل و بی قید و شرط زن و مرد در حقوق مدنی و فردی و لغو فوری کلیه قوانین و مقرراتی که ناقض این اصل است. برابری کامل حقوق و موقعیت قانونی زن و مرد در خانواده.

- تامین فوری برابری کامل زن و مرد در شرکت در حیات اجتماعی - سیاسی و اقتصادی جامعه در سطوح مختلف.

- برابری کامل و بی قید و شرط کلیه شهروندان ایران، مستقل از تابعیت، در کلیه حقوق و وظایف قانونی، اعم از فردی، مدنی، سیاسی، اجتماعی و رفاهی. کلیه ساکنین کشور، مستقل از ملیت یا احساس تعلق ملی خویش، یا اعتقادات مذهبی، اعضای متساوی الحقوق جامعه اند و در دسترسی به همه امکانات جامعه، برابراوند.

- ممنوعیت تفتیش عقاید. حق استتکاف شخص از ادای شهادت علیه خود که بتواند به اعلام جرم علیه وی منجر گردد. آزادی سکوت درباره نظرات و اعتقادات شخصی.

- مصونیت زندگی خصوصی افراد- مصونیت محل زندگی، مکاتبات و مراسلات و مکالمات فرد از هر نوع دخالت توسط هر مرجعی. ممنوعیت استراق سمع، تعقیب و مراقبت.

- مجازات اعدام باید فوراً لغو گردد. اعدام یا هر نوع مجازات متضمن تعرض به جسم افراد (نقص عضو، تنبیه بدنی، و غیره) تحت هر شرایطی ممنوع است.

شرافتمند شهرهای کردستان، صدها هزار کارگر شاغل و بیکار، صدها هزار معلم و دانشجو و محصل را به اقدامی عملی و وسیع و مشترک علیه این حکم فرا میخواند. ما از همه رهبران و فعالین کارگری، از همه کمونیستها و آزادیخواهان درخواست میکنیم

دفتر کردستان حزب حکمتیست (خط رسمی) ۲۵ شهریور ۱۳۹۴ - ۱۶ سپتامبر ۲۰۱۵

قدرت طبقه کارگر در تحزب و تشکل اوست!

**بریتانیا و موج برگشت...**

رهبر جدید "حزب کارگر"، عدم موافقت ۹۳ درصد نمایندگان حزب اش در پارلمان و مخالفت اکثریت قریب به اتفاق "خنجگان" این حزب را، همراه خود دارد. در حالیکه رای ۶۰ درصد اعضا ساده حزب اش را بدست آورده است. او وصله نجسپ پارلمان و عضو "بدسابقه" ای در الیت تکنوکرات و فاسد سنتی راست و چپ "حزب کارگر" است. کسی که طی سی و دو سال عضویت اش در پارلمان، همیشه در مقابل تصمیم های راستگرایانه، ضدمدمی و میلیتاریستی حزب اش، موضع گرفته است.

موج برگشتی که در اروپا، علیه سیاست های ریاضت اقتصادی و عواقب خانمان برانداز آن، در کشورهای حاشیه ای تری چون یونان برافزاده است، بر متن حمایت وسیع انسانی و مردمی در این قاره از فراریان از باطلاق سوریه، معادلات سیاسی در بریتانیا را تماما برهم زده است. اوضاع امروز در بریتانیا با روزهای "انقلابات نارنجی" در اروپای شرقی در ۱۹۸۹ مقایسه میشود. اگر آن انقلابات حاصل پیروزی اقتصاد بازار آزاد و "دمکراسی غربی" بر اقتصاد دولتی و حکومت های "توتالیتیر" شرق بود، تحولات امروز جهان غرب حاصل تناقضات و بن بست های کمپ پیروز جنگ سرد است. داعیه های اقتصادی رهبر جدید حزب کارگر، ترکیب کابینه اپوزیسیون در سایه اش، داعیه های چپ و سوسیالیستی اش، رابطه نزدیک با اتحادیه های کارگری، که تماما بازتاب موج برگشت جاری است، بیش از همه بشدت مورد تعرض خود، حزب کارگر، قرار گرفته است.

پوسته، الیت و قالب راست و توخالی حزب کارگر بریتانیا، ظرف بشدت تنگی برای نسل "تونی بن" و برای احیا حزب کارگر بریتانیا است. حزب کارگر بریتانیا،

که کمترین شباهتی به حتی حزبی رفرمیست ندارد، قابل اصلاح نیست! الیت مرتجع، "نخبه" و راست حزب کارگر، بیش از همه اهرم فشار برای عقب نشاندن و ناکام گذاشتن داعیه های رهبری خود را بدست گرفته است. برای حزب کارگر، دو راه بیشتر در افق نیست. یا کودتا علیه رهبر خود، یا انشعاب و انشقاق حزب لیبر!

انشقاق یا کودتا، فی الحال جامعه بریتانیا حول امکان "سوسیالیزه" کردن یا نکردن اقتصاد این کشور، با هر تعریف و تینی از سوسیالیسم، قطبی شده است. فی الحال، مشروعیت سرمایه و سرمایه داری و سلطنت و ناتو و ... همه زیر سؤال رفته است. بریتانیا برای احیا ساختار سیاسی و پارلمانتاریسم "با ثبات" خود، شرایط بحرانی را از سر میگذراند.

دمکراسی پارلمانی، این کلوب سیاستمداران کارکشته در عوام فریبی، که در آن از جمله کامرون با ۲۵ درصد آرا بعنوان "منتخب اکثریت" میتواند بر صدر قدرت در جامعه بنشینند، و کوربین منتخب اکثریت جوان محروم جامعه، که حمایت وسیع اتحادیه های کارگری را دارد "جوجه اردک زشت" آن است، زیر ضرب ماهیت غیردمکراتیک، غیرانتخابی، و بوروکراتیک خود قرار گرفته است. سرانجام این روند، در پارلمان و در جدال احزاب پارلمانی روشن نخواهد شد. جدال امروز در پارلمان، تنها راه پیشروی طبقه کارگر و اکثریت محروم جامعه را، علیرغم حزب کارگر و پارلمان، بازتر میکند. بریتانیا، بحران دمکراسی پارلمانی آن، بن بست های اقتصادی، و وزش نسیم، هرچند نیمه و ناتمام، امال سوسیالیستی، نوید بخش آینده بهتری است. آینده ای که باید به قدرت و نیروی های خارج پارلمان، به قدرت نیروی کار، بر متن بحران دمکراسی پارلمانی، و بر متن بن بست های اقتصادی، ساخته شود.

**گزارشی از لندن پیرامون تجمع اعتراضی به قتل شاهرخ زمانی**

**تشکیلات خارج کشور حزب حکمتیست - خط رسمی (واحد لندن)**

به فراخوان کمیته شاهرخ زمانی در لندن، روز شنبه ۱۹ سپتامبر تجمعی اعتراضی در محکومیت قتل شاهرخ در سیاهچال های جمهوری اسلامی توسط جلاخان این رژیم، مقابل استودیوی بی بی سی برگزار شد. واحد لندن تشکیلات خارج کشور حزب حکمتیست (خط رسمی) به عنوان بخشی از این کمیته، همراه سایر احزاب و جریانات چپ در این تجمع شرکت کرد. تجمع با خوشامد گویی رو به شرکت کنندگان آغاز شد. اطلاعیه ها و بیانیه های سازمانهای مختلف توسط مسئولین آنها یکی پس از دیگری در محکومیت قتل شاهرخ زمانی بدست رژیم اسلامی خوانده شد. سخنرانان متعددی در رابطه با شروع مجدد دستگیری، شکنجه و فشار رژیم به طبقه کارگر ایران، سخنرانی کردند. بار دیگر بر ویژگی ضد کارگری این رژیم، سه دهه سرکوب، تحمیل استبداد و بگیر و ببند کمونیستها و جبهه آزادیخواهی در ایران تاکید گذاشته شد. از زبان یکی از سخنرانان از شاهرخ زمانی بعنوان صدای "خاموش" طبقه کارگر ایران یاد شد. طبقه کارگری که علی رغم محروم بودن از تشکل های خود، اعتصاب و تحزب خود، با سرکوب و تحمیل استبداد شدید، بیان و سیمای مبارزه خود را از مقاومت و ایستادگی شاهرخ زمانی ها میگیرد.

در نوبت سخنرانی مسول واحد لندن حزب حکمتیست - خط رسمی به اهمیت تشخیص این دوره و از سرگیری موج دستگیری ها و به این اعتبار سرکوب فعالین کارگری در ایران

اشاره کرد. بختیار پیرخضری ضمن اشاره به مبارزات شاهرخ زمانی که هدفی جز دفاع از کمونیسم، طبقه کارگر و انقلاب کارگری نداشت، در ادامه صحبت هایش به این نکته اشاره کرد که پرونده جمهوری اسلامی برای تمام ما و برای کل جبهه آزادیخواهی و برابری طلبی پرونده قطوری از جنایت و کشتار زیر بغل دارد. اما علاوه بر این فاکتور بدیهی، هجوم های اخیر رژیم در این دوره محصول معادلاتی است که در این دوره تغییر کرده است. مهمترین فاکتور بازگشت جمهوری اسلامی به کلوب "جامعه جهانی" است. تمام آن "اپوزیسیون" که روزگاری بر سر شکاف غرب با جمهوری اسلامی حساب باز کرده بود و مبارزه و اعتراض و انتقادش به این رژیم را از این زاویه بیان می کرد، امروز تماما پشت دولت اعتدال روحانی و جمهوری اسلامی علیه طبقه کارگر ایران و جبهه آزادیخواهی به صف شده اند. ایشان به طور مشخص به احزاب و جریانات پرو - رژیم در خارج کشور اشاره کرد. به جریان جبهه ملی، اکثریت - توده، فرخ نگهدارها، پهنودها و ... که همگی زیر چتر بی بی سی گرد هم آمده اند و این رسانه با بی شرمی تمام مشغول لانس کردن دولت روحانی از طریق پادوهای آن در خارج است. ایشان تاکید کرد که تا جمهوری اسلامی و نظام سرمایه داری در ایران برقرار است، ما کمونیست ها در خارج کشور کماکان علیه این جبهه و علیه همه اپوزیسیون بورژوازی که دارند دولت اعتدال را رنگ می کنند و به نام "دموکراسی و صلح" به افکار عمومی میفرشند، خواهیم ایستاد. ایشان توجه شرکت کنندگان تجمع و همه آزادیخواهان و برابری طلبان در خارج کشور را به این عرصه مهم از مبارزه علیه اپوزیسیون پرو - روحانی و پرو - اعتدال جلب کرد و بر اتحاد و همکاری بیشتر

احزاب و نیروهای کارگری و سوسیالیست بر سر این مسله تاکید کرد. لازم به ذکر است که در این تجمع، نوری بشیر مسول تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری کردستان (عراق) حضور یافت و در سخنرانی اش ضمن مسئول دانستن جمهوری اسلامی در مرگ شاهرخ زمانی، بر همبستگی و همسرنوشتی طبقه کارگر عراق و کردستان با طبقه کارگر ایران تاکید کرد. وی همچنین به این نکته اشاره کرد که حمله امروز دول مرتجع منطقه به طبقه کارگر و مردم محروم این جوامع محصول سناریوی سیاهی است که دول غرب و در راس آن آمریکا در خاورمیانه بوجود آورده است و جمهوری اسلامی در کنار سایر دول ارتجاعی منطقه یک پای نامن کردن منطقه است. ایشان به توافقات اخیر غرب با جمهوری اسلامی اشاره کرد و یک دلیل اساسی حملات و هجوم دوباره رژیم ایران در داخل به فعالین طبقه کارگر را محصول این اتفاق دانست.

در تجمع پلاکارهای متعددی در دست شرکت کنندگان بود، از جمله: "دولت اعتدال روحانی مسئول مرگ شاهرخ زمانی است، بی بی سی تریبون اپوزیسیون پرو - رژیم در خارج کشور است، قاتلین شاهرخ زمانی در مجلس ایران نشسته اند، شاهرخ زمانی زبان گویای مقاومت و اعتراض طبقه کارگران ایران بود" و ...

تجمع با سر دادن شعارهای متعددی از جمله: "مرگ بر جمهوری اسلامی، زنده باد شاهرخ زمانی، کارگر زندانی آزاد باید گردد، زندانی سیاسی آزاد باید گردد"، به کار خود پایان داد.

**www.hekmatist.com**  
 سردبیر: فواد عبداللهی  
 fuaduk@gmail.com  
 تماس با حزب  
 hekmatistparty@gmail.com

**زنده باد انقلاب کارگری!**